

شیرها

صالحان و شروران

شریران فرار میکنند وقتی کسی آنها را تعقیب نمیکند، اما صالحان مانند شیر شجاع هستند. امثال ۱:۲۸
هوشیار و بیدار باشید، زیرا دشمن شما ابلیس، همچون شیری غران، در جستجوی طعمهای است تا آن را ببلعد.)اول پطرس ۸:۵(

پنجگانه تورات

یهودا شیربچهای است: از شکار بیرون آمدهای، ای پسرم، او خم شده، مانند شیر و مانند شیر پیر خوابیده است؛ چه کسی او را برخیزاند؟ پیدایش ۹:۴۹

اینک قوم مثل شیر نر بزرگ قیام خواهند کرد و مثل شیر ژیان خود را بالا خواهند برد. او نخواهد خوابید تا از شکار بخورد و خون کشتگان را بنوشد. اعداد ۲۴:۲۳

او مانند شیر و مانند شیر بزرگ دراز کشید و دراز کشید. کیست که او را برانگیزاند؟ مبارک است کسی که تو را برکت دهد و ملعون است کسی که تو را نفرین کند. اعداد ۹:۲۴

و درباره جاد گفت: »خوشا به حال کسی که جاد را وسعت دهد. او مانند شیر ساکن است و بازو را با فرق سرش میدرد.« و درباره دان گفت: »دان بچه شیر است که از باشان خواهد جهید . « تثنیه ۳۳: ۲۲،۲۰

تاریخچه

آنگاه شَمشون به همراه پدر و مادرش به تِمنَه فرود آمدند، و چون به تاکستانهای تِمنَه رسیدند، اینک شیر جوانی بر او غرید. و بعد از مدتی برای بردن او برگشت، و از آنجا دور شد تا لاشه شیر را ببیند. و اینک، انبوهی از زنبور و عسل در لاشه شیر بود. و آن را در دست خود گرفت و خورد و نزد پدر و مادرش آمد و به ایشان داد و خوردند، اما به ایشان نگفت که عسل را از لاشه شیر گرفته است. و مردان شهر در روز هفتم، پیش از غروب آفتاب، از او پرسیدند: »چه چیزی شیرینتر از عسل و چه چیزی نیرومندتر از شیر است؟« او به ایشان گفت: »اگر با گاو من شخم نمیزدید، معمای مرا نمیفهمیدید.« داوران ۵:۱۴ ، ۸-۹، ۱۸

و داود به شاؤل گفت: »بنده تو گله پدر خود را میچراند، که شیر و خرسی آمدند و برهای از گله ربودند. بندهات هم شیر و هم خرس را کشت؛ و این فلسطینیِ نامختون نیز مانند یکی از آنها خواهد بود، زیرا لشکریان خدای زنده را به چالش کشیده است. داوود همچنین گفت: »خداوندی که مرا از چنگ شیر و از چنگ خرس رهانید، مرا از دست این فلسطینی نیز رها خواهد کرد.« و شائول به داوود گفت: »برو و خداوند با تو باد.« اول سموئیل ۳۴:۱۷ ، ۳۶-۳۷

شائول و یوناتان در زندگی خود دوستداشتنی و دلپذیر بودند، و در مرگشان نیز از هم جدا نشدند: آنها از عقابها تیزتر و از شیرها قویتر بودند. دوم سموئیل ۲۳:۱

و آن که شجاع است و دلش چون دل شیر است، به کلی گداخته خواهد شد، زیرا همه اسرائیل میدانند که پدر تو مردی جبار است و آنان که با او هستند، مردانی شجاعند. دوم سموئیل ۱۰:۱۷

و بنایاهو ابن یهویاداع، پسر مردی شجاع از قبصئیل، که کارهای بسیار کرده بود، دو مرد شیرمانند موآبی را کشت. او نیز در وقت برف به گودالی فرود آمده، شیری را کشت. دوم سموئیل ۲۰:۲۳

و بر حاشیههایی که بین لبهها بود، شیرها، گاوها و کروبیان بودند؛ و بر لبهها پایهای در بالا قرار داشت؛ و در زیر شیرها و گاوها، تزئیناتی از جنس نازککاری شده بود. زیرا بر لوحههای لبهها و حاشیههای آن، کروبیان، شیران و درختان نخل را به تناسب هر یک نقش کرد و در اطراف آنها نیز تزئیناتی ساخت. اول پادشاهان ۲۹:۷ ، ۳۶

تخت شش پله داشت و بالای تخت از پشت گرد بود و در دو طرف جای کرسی، تکیهگاههایی قرار داشت و دو شیر در کنار تکیهگاهها ایستاده بودند. و دوازده شیر آنجا، از یک طرف و از طرف دیگر، بر روی شش پله ایستاده بودند؛ در هیچ پادشاهی چنین چیزی ساخته نشده بود. اول پادشاهان ۱۰: ۱۹-۲۰

و چون رفت، شیری در راه به او برخورد و او را کشت. و لاشهاش در راه انداخته شد و الاغ کنارش ایستاده بود، و شیر نیز کنار لاشه ایستاده بود. و اینک، مردمانی که از آنجا میگذشتند، لاشه را در راه انداخته شده و شیری را که در کنار لاشه ایستاده بود، دیدند. پس آمدند و این را در شهری که پیامبر پیر در آن ساکن بود، خبر دادند. و چون نبیای که او را از راه برگردانیده بود این را شنید، گفت: »این مرد خداست که از کلام خداوند سرپیچی کرد. لهذا خداوند او را به شیر سپرده است که او را دریده و کشته است، موافق کلامی که خداوند به او گفته بود.« و چون رفت، لاشهاش را در راه انداخته شده یافت، و الاغ و شیر را نزد لاشه ایستاده. شیر لاشه را نخورده و الاغ را دریده نبود. اول پادشاهان ۲۴:۱۳ -۲۶،۲۸

پس به او گفت: »چون از فرمان خداوند اطاعت نکردی، همانا همین که از نزد من بروی، شیری تو را خواهد کشت.« و همین که از نزد او رفت، شیری او را یافت و کشت. اول پادشاهان ۳۶:۲۰

و در ابتدای سکونتشان در آنجا، از خداوند نترسیدند، پس خداوند شیرهایی در میانشان فرستاد که برخی از ایشان را کشتند. پس به پادشاه آشور گفتند: »امتهایی که تو کوچاندهای و در شهرهای سامره ساکن ساختهای، از رسم خدای آن سرزمین خبر ندارند. از این رو، او شیرها را در میان آنها فرستاده است و آنها آنها را میکشند، زیرا رسم خدای آن سرزمین را نمیدانند.« دوم پادشاهان ۱۷: ۲۵-۲۶

بنایاهو پسر یهویاداع، پسر مردی شجاع از قبصئیل، که کارهای بسیار کرده بود؛ او دو مرد شیرمانند موآبی را کشت؛ و همچنین در یک روز برفی به گودالی رفت و شیری را کشت. اول تواریخ ۲۲:۱۱

و از جادیان، مردانی شجاع و جنگآزموده برای جنگ که میتوانستند سپر و سپربان به دست گیرند، و چهرههایشان مانند چهره شیر و مانند غزالهای کوهها تیزرو بودند، نزد داوود در دژ بیابان جدا شدند. اول تواریخ ۸:۱۲

و تخت شش پله داشت، و یک زیرپایی از طلا که به تخت بسته شده بود، و در دو طرف نشیمنگاه، سه پایه قرار داشت، و دو شیر در کنار این پایهها ایستاده بودند. و دوازده شیر آنجا، از یک طرف و از طرف دیگر، بر روی شش پله ایستاده بودند، که در هیچ پادشاهی مانند آن ساخته نشده بود. دوم تواریخ ۹: ۱۸-۱۹

شعر

غرش شیر و صدای شیر درنده و دندانهای شیرهای جوان شکسته شده است. شیر پیر از کمبود شکار هلاک میشود، و بچههای شیر تنومند پراکنده میگردند. ایوب ۴: ۱۰-۱۱

زیرا که افزون میشود. تو مرا همچون شیری درنده شکار میکنی، و باز خود را بر من شگفتآور مینمایی. ایوب ۱۶:۱۰

نه بچه شیرها آن را پایمال کردهاند و نه شیر درندهای از آن عبور کرده است. ایوب ۸:۲۸

آیا برای شیر شکار خواهی کرد، یا اشتهای شیرهای جوان را سیر خواهی کرد؟ ایوب ۳۹:۳۸

مبادا مانند شیر، جان مرا بدرد و آن را تکه تکه کند، در حالی که کسی نیست که رهایم کند. مزامیر ۲:۷

او مخفیانه مانند شیر در بیشه خود کمین میکند؛ او در کمین است تا فقیر را به دام بیندازد؛ او فقیر را به دام میاندازد، وقتی او را به دام میاندازد. مزامیر ۹:۱۰

همچون شیری که در شکار خود حریص است، و همچون شیر جوانی که در جاهای پنهان کمین کرده است. مزامیر ۱۲:۱۷

با دهان خود، همچون شیری درنده و غران، بر من دهان گشودند. مرا از دهان شیر نجات ده، زیرا که از شاخهای گاوهای تکشاخ صدای مرا شنیدهای. مزامیر ۲۲ :۲۱،۱۳

شیرهای جوان گرسنه میمانند و گرسنگی میکشند، اما آنان که خداوند را میجویند، هیچ چیز خوبی کم نخواهند داشت. مزامیر ۱۰:۳۴

ای خداوند، تا به کی نظاره خواهی کرد؟ جان مرا از هلاکتهای ایشان رهایی ده، و عزیز مرا از شیران. مزامیر ۱۷:۳۵

جان من در میان شیران است و حتی در میان آتشافروزان میخوابم، یعنی بنیآدم که دندانهایشان نیزهها و تیرها و زبانشان شمشیر تیز است. مزامیر ۴:۵۷

ای خدا، دندانهایشان را در دهانشان بشکن. ای خداوند، دندانهای بزرگ شیرهای جوان را بشکن. مزامیر ۶:۵۸

بر شیر و افعی پا خواهی نهاد: شیر بچه و اژدها را زیر پا لگدمال خواهی کرد. مزامیر ۱۳:۹۱

شیرهای جوان غرشکنان به دنبال طعمه خود میروند و خوراک خود را از خدا میخواهند. مزامیر ۲۱:۱۰۴

خشم پادشاه مانند غرش شیر است، اما خشنودی او مانند شبنمی بر سبزه. امثال ۱۲:۱۹

ترس از پادشاه مانند غرش شیر است: هر که او را به خشم آورد، به جان خود گناه میکند. امثال ۲:۲۰

مرد تنبل میگوید: شیر بیرون است، من در کوچهها کشته خواهم شد. امثال ۱۳:۲۲

مرد تنبل میگوید: شیری در راه است، شیری در کوچههاست. امثال ۱۳:۲۶

،شریران فرار میکنند وقتی کسی آنها را تعقیب نمیکند، اما صالحان مانند شیر شجاع هستند. چنانکه شیر غران و خرس ولگرد همچنان است حاکم ظالم بر مردم فقیر. امثال ۲۸: ۱،۱۵

شیری که در میان جانوران نیرومندترین است و از هیچ چیز رویگردان نمیشود. امثال ۳۰:۳۰

زیرا برای کسی که با همه زندگان پیوند دارد، امیدی هست، زیرا سگ زنده از شیر مرده بهتر است. جامعه ۴:۹

ای همسر من، با من از لبنان بیا: از بالای امانه، از بالای شنیر و حرمون، از لانههای شیران، از کوههای پلنگان بنگر. غزل غزلهای سلیمان ۸:۴

نبوت

غرش ایشان مثل شیر خواهد بود، مانند شیرهای ژیان غرش خواهند کرد. آری، غرش خواهند کرد و طعمه را گرفته، آن را به سلامت خواهند برد و کسی نیست که آن را رهایی دهد. اشعیا ۲۹:۵

گرگ نیز با بره سکونت خواهد داشت و پلنگ با بزغاله خواهد خوابید؛ و گوساله و شیر جوان و پرواری با هم؛ و طفل کوچکی آنها را خواهد راند. و گاو و خرس خواهند چرید؛ بچههایشان با هم خواهند خوابید؛ و شیر مانند گاو، کاه خواهد خورد. اشعیا ۱۱ :۶-۷

زیرا آبهای دیمون از خون پر خواهد شد، زیرا بر دیمون، شیرهای بیشتری خواهم فرستاد، بر فراریان موآب و بر بقیهٔ زمین. اشعیا ۹:۱۵

و او فریاد زد، ای شیر: ای سرورم، من پیوسته در روز بر برج دیدهبانی میایستم، و تمام شبها در بند خود هستم. اشعیا ۸:۲۱

بارِ جانورانِ جنوب: به سرزمینِ پریشانی و اضطراب، جایی که شیرِ جوان و پیر، افعی و مارِ آتشینِ پرنده از آنجا میآیند، ثروتِ خود را بر دوشِ الاغهای جوان و گنجهایِ خود را بر دستههایِ شتران، نزدِ قومی که برایشان سودی نخواهد داشت، خواهند برد. اشعیا 30:6

زیرا خداوند به من چنین گفته است: چنانکه شیر و شیر جوان بر شکار خود غرش میکنند، هنگامی که انبوهی از چوپانان بر او فراخوانده شوند، از صدای آنها نخواهد ترسید و از غوغای آنها سر فرود نخواهد آورد، همچنان یهوه صبایوت نازل خواهد شد تا برای کوه صهیون و تپه آن بجنگد. اشعیا ۴:۳۱

شیری در آنجا نخواهد بود و هیچ حیوان درندهای بر آن بالا نخواهد رفت، در آنجا یافت نخواهد شد، بلکه رستگاران در آنجا راه خواهند رفت. اشعیا ۹:۳۵

تا صبح گمان بردم که او همچون شیر، تمام استخوانهایم را خواهد شکست: از روز تا شب، مرا نابود خواهی کرد. اشعیا ۱۳:۳۸

گرگ و بره با هم خواهند چرید و شیر مانند گاو کاه خواهد خورد و خوراک مار خاک خواهد بود. خداوند میگوید: آنها در تمام کوه مقدس من آسیب و فسادی نخواهند کرد. اشعیا ۲۵:۶۵

شیرهای جوان بر او غریدند و فریاد برآوردند و سرزمینش را ویران کردند: شهرهایش سوخته و بدون سکنه شدهاند. بیهوده فرزندان تو را زدم؛ آنها تأدیب نشدند. شمشیر خودت، مانند شیر درنده، انبیای تو را دریده است. ارمیا ۱۵:۲ ، ۳۰

شیر از بیشه خود بیرون آمده است و نابودکننده امتها در راه است؛ او از مکان خود بیرون رفته است تا سرزمین تو را ویران کند و شهرهایت ویران و بدون سکنه خواهد شد. ارمیا ۷:۴

از این رو، شیری از جنگل آنها را خواهد کشت و گرگی از شام آنها را غارت خواهد کرد، پلنگی بر شهرهایشان نگهبانی خواهد داد و هر که از آنجا بیرون رود، دریده خواهد شد، زیرا گناهانشان بسیار و ارتدادشان بسیار شده است. ارمیا ۶:۵

میراث من برای من مانند شیر جنگل است؛ بر من فریاد میزند؛ از این رو از آن نفرت دارم. ارمیا ۸:۱۲

او همچون شیر، پناهگاه خود را ترک کرده است، زیرا سرزمینشان به سبب خشم و غضب ظالم، ویران شده است. ارمیا ۳۸:۲۵

اینک او مانند شیر از طغیان اردن به سوی مسکن زورمندان خواهد آمد، اما من ناگهان او را از او خواهم گریخت. و کیست مرد برگزیده که او را بر او بگمارم؟ زیرا کیست مانند من؟ و کیست که برای من زمان تعیین کند؟ و کیست آن شبانی که پیش روی من بایستد؟ ارمیا ۱۹:۴۹

اسرائیل گوسفندی پراکنده است؛ شیرها او را رانده اند: ابتدا پادشاه آشور او را خورده است؛ و در آخر این نبوکدرصر پادشاه بابل استخوان های او را شکسته است. اینک او مانند شیر از طغیان اردن به سوی مسکن زورمندان خواهد آمد، اما من ایشان را ناگهان از او فراری خواهم داد. و کیست مرد برگزیده که او را بر او بگمارم؟ زیرا کیست مانند من؟ و کیست که برای من زمان تعیین کند؟ و کیست آن شبانی که پیش روی من بایستد؟ ارمیا ۵۰: ۱۷،۴۴

آنها مانند شیرها با هم غرش خواهند کرد و مانند شیربچهها نعره خواهند زد. ارمیا ۳۸:۵۱

او برای من همچون خرسی در کمین بود، و همچون شیری در مخفیگاه. مراثی ۱۰:۳

و اما شباهت روی آنها: آن چهار نفر روی انسان و روی شیر در سمت راست داشتند؛ و آن چهار نفر روی گاو در سمت چپ داشتند؛ و آن چهار نفر روی عقاب نیز داشتند. حزقیال ۱۰:۱

.و هر یک چهار رو داشت: روی اول روی کروبی بود و روی دوم روی انسان و سومی روی شیر و چهارمی روی عقاب حزقیال ۱۴:۱۰

و بگو: مادر تو چیست؟ یک شیر ماده: او در میان شیرها میخوابید و بچههای خود را در میان شیرهای ژیان پرورش میداد. و او یکی از بچههای خود را بزرگ کرد: آن شیر جوان شد و گرفتن شکار را آموخت؛ و انسانها را خورد. چون دید که انتظار کشیده ،و امیدش برباد رفته است، یکی دیگر از تولههایش را گرفت و او را شیری جوان ساخت. و او در میان شیرها بالا و پایین رفت شیر جوانی شد و گرفتن طعمه را آموخت و آدمیان را خورد. حزقیال ۱۹:۲ -۳،۵-۶

در میانش، توطئهای از انبیایش وجود دارد، مانند شیر غران که طعمه را میدزدد؛ جانها را خوردهاند؛ گنجینهها و چیزهای گرانبها را بردهاند؛ و در میانش بیوههای بسیاری برایش ساختهاند. حزقیال ۲۵:۲۲

ای پسر انسان، برای فرعون پادشاه مصر مرثیه بخوان و به او بگو: تو مانند شیر ژیان امتها هستی و مانند نهنگی در دریاها هستی و با رودخانههایت بیرون آمدی و آبها را با پاهایت متلاطم کردی و نهرهای آنها را گلآلود نمودی. حزقیال ۲:۳۲

شبا و ددان و بازرگانان ترشیش با همه شیرمردانشان به تو خواهند گفت: آیا برای بردن غنیمت آمدهای؟ آیا جمعیت خود را برای گرفتن غنیمت جمع کردهای؟ تا نقره و طلا ببری، تا گاو و اموال ببری، تا غنیمت بزرگی ببری؟ حزقیال ۱۳:۳۸

به طوری که روی انسان به سوی نخل از یک طرف و روی شیر جوان به سوی نخل از طرف دیگر بود: این در تمام خانه از هر طرف ساخته شده بود. حزقیال ۱۹:۴۱

تمام رؤسای مملکت، والیان، امرا، مشاوران و والیان با هم مشورت کردهاند تا قانونی سلطنتی وضع کنند و فرمانی قطعی صادر نمایند که هر که سی روز از خدایی یا انسانی جز تو، ای پادشاه، درخواستی کند، در چاه شیران افکنده شود. پس ایشان نزدیک آمدند و در حضور پادشاه درباره فرمان پادشاه گفتند: »آیا فرمانی امضا نکردهای که هر که تا سی روز از خدایی یا انسانی جز تو، ای پادشاه، درخواستی کند، در چاه شیران افکنده شود؟« پادشاه در جواب گفت: »این امر، مطابق قانون مادها و پارسها که تغییر نمیکند، درست است.« آنگاه پادشاه فرمان داد تا دانیال را آورده، در چاه شیران انداختند. آنگاه پادشاه دانیال را خطاب کرده، گفت: »خدای تو که پیوسته او را میپرستی، تو را رهایی خواهد داد.« آنگاه پادشاه صبح زود برخاست و با عجله به چاه شیران رفت. و چون به چاه شیران رسید، با صدای نالهآمیزی دانیال را صدا زد و پادشاه خطاب به دانیال گفت: ای دانیال، بنده ،خدای زنده، آیا خدای تو که پیوسته او را عبادت میکنی، قادر است تو را از شیران رهایی دهد؟ خدای من فرشته خود را فرستاده دهان شیران را بسته است تا به من آسیبی نرسانند، زیرا در حضور او بیگناهی در من یافت شد و در حضور تو، ای پادشاه، نیز هیچ بدی نکردهام. و پادشاه فرمان داد تا آن مردانی را که دانیال را متهم کرده بودند، آوردند و ایشان را با فرزندانشان و زنانشان .در چاه شیران انداختند و شیران بر ایشان تسلط یافتند و تمام استخوانهایشان را خرد میکردند یا هر زمان که به ته چاه میرسیدند اوست که نجات میدهد و رهایی میبخشد، و آیات و معجزات را در آسمان و زمین به ظهور میرساند، همان که دانیال را از چنگ شیران رهایی داده است. دانیال ۷:۶، ۱۲، ۱۶، ۱۹-۲۰، ۲۲، ۲۴، ۲۷

اولی مانند شیر بود و بالهای عقاب داشت. من نگریستم تا بالهایش کنده شد و از زمین برداشته شد و مانند انسان بر پاهایش ایستاد و دل انسان به او داده شد. دانیال ۴:۷

زیرا من برای افرایم مانند شیر و برای خاندان یهودا مانند شیر ژیان خواهم بود. من، خود، خواهم درید و خواهم رفت. من خواهم برد و کسی او را رهایی نخواهد داد. هوشع ۱۴:۵

آنها از خداوند پیروی خواهند کرد: او مانند شیر غرش خواهد کرد: وقتی غرش کند، کودکان از غرب خواهند لرزید. هوشع ۱۰:۱۱

بنابراین من برای ایشان مثل شیر خواهم بود؛ و مانند پلنگی در راه، مراقب ایشان خواهم بود. من مانند خرسی که از بچههایش جدا شده باشد، با آنها روبرو خواهم شد و قلبشان را خواهم درید و مانند شیر آنها را در آنجا خواهم خورد. حیوانات وحشی آنها را خواهند درید. هوشع ۱۳: ۷-۸

زیرا قومی به سرزمین من هجوم آوردهاند، قوی و بیشمار، که دندانهایشان مانند دندانهای شیر است و گونههایشان مانند دندانهای شیر بزرگ است. یوئیل ۶:۱

آیا شیری در جنگل غرش میکند، در حالی که شکاری ندارد؟ آیا شیر جوان از لانهاش فریاد میزند، در حالی که چیزی نگرفته است؟ شیر غرش کرده است، کیست که نترسد؟ خداوند یهوه سخن گفته است، کیست که نتواند نبوت نکند؟ خداوند چنین میگوید: چنانکه چوپان دو پا یا تکهای از گوش را از دهان شیر بیرون میآورد، همچنین بنیاسرائیل که در سامره در گوشه تخت و در دمشق در تخت ساکنند، بیرون آورده خواهند شد. عاموس ۴:۳ ، ۸، ۱۲

گویی مردی از شیری گریخته و خرسی به او برخورده است؛ یا به خانهای رفته و دستش را به دیوار تکیه داده و ماری او را گزیده است. عاموس ۱۹:۵

و بازماندگان یعقوب در میان امتها در میان قومهای بسیار، مانند شیری در میان جانوران جنگل و مانند شیر ژیان در میان گلههای گوسفند خواهند بود؛ که اگر از میان آنها عبور کند، هم پایمال میکند و هم میدَرَد و هیچکس نمیتواند آنها را رهایی دهد. میکاه ۸:۵

کجاست مسکن شیران و چراگاه شیران جوان، جایی که شیر، حتی شیر پیر، و بچه شیران در آن میگشتند و هیچکس آنها را نمیترسانْد؟ »شیر برای تولههایش به اندازه کافی پاره پاره کرد و برای شیرهای مادهاش خفه کرد و سوراخهایش را با شکار و لانههایش را با دره پر کرد.« اینک من به ضد تو هستم، خداوند لشکرها میگوید، و ارابههایش را به دود خواهم سوزاند، و شمشیر شیران ژیان تو را خواهد بلعید، و شکار تو را از زمین منقطع خواهم کرد، و صدای فرستادگان تو دیگر شنیده نخواهد شد. ناحوم ۲: ۱۱-۱۳

فرمانروایانش در اندرون او شیران غران و داورانش گرگان شامند که تا فردا استخوان نمیجوند. صفنیا ۳:۳

صدای زوزه چوپانان است، زیرا شکوه و جلالشان به یغما رفته است؛ صدای غرش شیرهای جوان است، زیرا غرور اردن به یغما رفته است. زکریا ۳:۱۱

عهد جدید

با این حال، خداوند با من ایستاد و مرا تقویت کرد تا موعظه به وسیله من به کمال برسد و همه امتها آن را بشنوند. و من از دهان شیر رهایی یافتم. دوم تیموتائوس ۱۷:۴

که از راه ایمان، ممالک را مغلوب ساختند، عدالت را به جا آوردند، وعدهها را به دست آوردند، دهان شیران را بستند، عبرانیان ۳۳:۱۱

هوشیار و بیدار باشید، زیرا دشمن شما شیطان، همچون شیری غران، در جستجوی طعمهای است تا آن را ببلعد. اول پطرس ۸:۵

و حیوان اول مانند شیر بود و حیوان دوم مانند گوساله، و حیوان سوم صورتی مانند انسان داشت، و حیوان چهارم مانند عقاب پرنده بود. مکاشفه ۷:۴

و یکی از پیران به من میگوید: »گریه مکن! اینک شیرِ سبط یهودا، ریشه داوود، غالب آمده است تا کتاب را بگشاید و هفت مُهر آن را بردارد.« مکاشفه ۵:۵

و موهایی مانند موهای زنان داشتند و دندانهایشان مانند دندانهای شیران بود. و بدین گونه اسبان را در رؤیا دیدم و سواران بر آنها را که جوشنهایی از آتش و یاقوت و گوگرد داشتند و سرهای اسبان مانند سر شیران بود و از دهانشان آتش و دود و گوگرد بیرون میآمد. مکاشفه ۸:۹ ، ۱۷

و با صدای بلند، همچون غرش شیر، فریاد برآورد؛ و چون فریادش به پایان رسید، هفت رعد به صداهای خود برخاستند. مکاشفه ۳:۱۰

و آن وحش که دیدم مانند پلنگ بود و پاهایش مانند پاهای خرس و دهانش مانند دهان شیر. و اژدها قدرت و تخت و اقتدار عظیمی به او داد. مکاشفه ۲:۱۳

آخرالزمان

و به شیری مینگرد و در تاریکی میرود؛ و چون دزدی کند، غارت کند و غارت کند، آن را نزد محبوب خود میآورد. اول اسدرا ۲۴:۴

و دیدم که چون شیری غران از بیشه رانده شد؛ و دیدم که به عقاب آواز انسانی داد و گفت: دوم اسدرا ۳۷:۱۱

و چنین شد، هنگامی که شیر این سخنان را به عقاب میگفت، من دیدم، و آن شیر که دیدی از جنگل برخاست و غرید و با عقاب سخن گفت و او را به سبب بیعدالتیاش با تمام سخنانی که شنیدی، سرزنش کرد. دوم اسدرا ۱۲: ۳۱،۱

آیا کسی میتواند شیر گرسنهای را در جنگل فراری دهد، یا کسی میتواند آتش را در کاه و خاشاک خاموش کند، وقتی که شعلهور شده است؟ دوم اسدرا ۶:۱۶

.در حضور شیر، سخنی شیوا به من بگو: دل او را به نفرت از کسی که با ما میجنگد، وادار، تا او و همهٔ همفکرانش نابود شوند اضافات به استر ۱۳:۱۴

زیرا دست قادر مطلق تو، که جهان ماده را بدون شکل آفریدی، نخواست وسیلهای برای فرستادن انبوهی از خرسها یا شیرهای درنده به میان آنها بفرستد، حکمت سلیمان ۱۷:۱۱

در خانهات چون شیر مباش، و در میان خدمتکارانت شتابزده رفتار مکن. کلیسایی ۳۰:۴

چنانکه گورخر در بیابان طعمه شیر است، همچنان ثروتمندان فقیر را میخورند. کلیسایی ۱۹:۱۳

از گناه مانند مار بگریز، زیرا اگر زیاد به آن نزدیک شوی، تو را خواهد گزید؛ دندانهایش مانند دندانهای شیر است که جان آدمیان را میکشد. کلیسای 21:2

من ترجیح میدهم با شیر و اژدها زندگی کنم تا اینکه با زن بدکاره زندگی کنم. کلیسای 25:16

چنانکه شیر در کمین شکار است، پس برای گناهکاران گناه کنید. تمسخر و سرزنش از جانب متکبران است، اما انتقام، مانند شیر، در کمین آنهاست. کتاب مقدس، آیات 27 و 10 و 28

آنان که خداوند را ترک کنند، در آن خواهند افتاد؛ و آتش در ایشان خواهد سوخت و خاموش نخواهد شد؛ همچون شیری بر ایشان فرستاده خواهد شد و همچون پلنگی ایشان را خواهد خورد. کلیسایی ۲۳:۲۸

او با شیرها مانند بزغالهها و با خرسها مانند برهها بازی میکرد. کلیسای ۳:۴۷

که او را به چاه شیران انداختند، جایی که شش روز در آن بود. و در غار هفت شیر بودند و هر روز دو لاشه و دو گوسفند به آنها میدادند؛ اما آنها را به آنها نمیدادند تا دانیال را بخورند. اما فرشته خداوند به حَبَق گفت: »برو و شامی را که داری به بابل نزد دانیال که در چاه شیران است ببر.« بِل و اژدها ۳۱:۱ ـ۳۴،۳۲

دانیال به خاطر بیگناهیاش از دهان شیران رهایی یافت. اول مکابیان ۶۰:۲

او در کردارش مانند شیر بود، و مانند شیربچهای که برای شکارش غرش میکرد. اول مکابیان ۴:۳

و چون شیران به دشمنان خود حمله کردند و یازده هزار پیاده و هزار و ششصد سوار را کشتند و بقیه را فراری دادند. دوم مکابیان ۱۱:۱۱

خنوخ، یاشر، جوبیلیها

و در آن روزها فرشتگان باز خواهند گشت و خود را به سوی شرق بر پارتیان و مادها خواهند انداخت. آنها پادشاهان را برخواهند انگیخت، تا روح ناآرامی بر آنها مسلط شود، و آنها را از تختهایشان برخواهند انگیخت، تا مانند شیران از لانههایشان و مانند گرگهای گرسنه در میان گلههایشان بیرون بیایند.)خنوخ ۵:۵۶(

،و آنها شروع به بیرون آوردن حیوانات صحرا و پرندگان کردند، به طوری که جنسهای مختلفی پدید آمدند: شیرها، ببرها، گرگها سگها، کفتارها، گرازهای وحشی، روباهها، سنجابها، خوکها، شاهینها، کرکسها، بادبادکها، عقابها و کلاغها؛ و در میان آنها یک گاو نر سفید به دنیا آمد. و او آنها را به دست شیرها و ببرها، و گرگها و کفتارها، و به دست روباهها، و به همه حیوانات وحشی سپرد، و آن حیوانات وحشی شروع به تکه تکه کردن آن گوسفندان کردند. و من دیدم که او خانه و برج آنها را رها کرد و همه آنها را به دست شیرها سپرد تا آنها را بدرند و بخورند، به دست همه حیوانات وحشی. و من دیدم که آن چوپانان در فصل خود چرا کردند، و آنها شروع به کشتن و نابود کردن بیش از آنچه به آنها دستور داده شده بود، کردند، و آن گوسفندان را به دست شیرها سپردند. و شیرها و ببرها قسمت اعظم آن گوسفندان را خوردند و خوردند، و گرازهای وحشی نیز با آنها خوردند؛ و آن برج را سوزاندند و آن خانه را ویران کردند. خنوخ ۸۹:۱۰، ۵۵-۵۶، ۶۵-۶۶

و یک شیر ماده با دو بچهاش، نر و ماده، آمد و هر سه در برابر نوح زانو زدند. و آن دو بچه به شیر ماده حمله کردند و او را زدند و از جایش گریختند. پس شیر ماده رفت و آنها به جای خود برگشتند و در برابر نوح بر زمین زانو زدند. و شیر ماده فرار کرد و در جای شیرها ایستاد. یاشر ۶:۵-۶

و همه موجودات زندهای که در کشتی بودند، وحشت کردند و شیرها غرش کردند و گاوها بانگ زدند و گرگها زوزه کشیدند و هر موجود زندهای در کشتی به زبان خود صحبت و ناله میکرد، به طوری که صدای آنها تا مسافت بسیار دوری میرسید و نوح و پسرانش در مصیبت خود فریاد و ناله میکردند. آنها بسیار ترسیده بودند که به دروازههای مرگ رسیده باشند. یاشر ۶:۳۰

و ساکنان اربلان صدای فریاد پسران یعقوب و غرش ایشان را مانند صدای شیران و مانند غرش دریا و امواجش شنیدند.)یاشر ۷:۳۹(

و در حالی که آنها فرار میکردند، یهودا و برادرانش آنها را تا خانه فرعون تعقیب کردند و همه آنها فرار کردند، و یهودا دوباره در مقابل یوسف نشست و مانند شیر بر او غرید و فریاد بلند و وحشتناکی بر او کشید. یاشر ۵۴:۴۶

،و پادشاه و شاهزادگان و همه مردان جنگی، موسی را دوست داشتند، زیرا او بزرگ و شایسته بود، قامتش مانند شیری باشکوه چهرهاش مانند خورشید و نیرویش مانند شیر بود و مشاور پادشاه بود.)یاشر ۷۲:۲۴(

،و چون به دروازه پادشاه رسیدند، دو شیر جوان با آلات آهنین در آنجا بسته بودند و هیچ کس از پیش آنها بیرون یا داخل نمیرفت مگر کسانی که پادشاه دستور داده بود، آنگاه جادوگران آمدند و شیرها را با افسون خود بیرون راندند و این آنها را نزد پادشاه آورد. و موسی شتابان رفت و چوب را بر شیرها بلند کرد و آنها را رها کرد و موسی و هارون به خانه پادشاه آمدند. شیرها نیز با شادی با آنها آمدند و از پی آنها رفتند و شادی کردند، مانند سگی که از آمدن صاحبش از مزرعه شاد میشود. و پادشاه تمام سخنانی را که موسی و برادرش هارون به او گفته بودند، برای آنها بیان کرد و جادوگران به پادشاه گفتند: اما چگونه آن مردان به خاطر شیرهایی که در دروازه بسته بودند، نزد تو آمدند؟ و پادشاه گفت: زیرا آنها عصای خود را بر شیرها بلند کردند و آنها را ،آزاد کردند و نزد من آمدند و شیرها نیز از آنها شادی کردند، مانند سگی که از ملاقات صاحبش شاد میشود. یاشر ۷۹:۲۱-۲۳ ۲۸-۲۹

.همچنین انسانها و حیواناتی که در بیرون یافت میشدند از شعلههای آتش و تگرگ هلاک شدند و همه شیرهای جوان از پا درآمدند (یاشر ۸۰:۳۲)

و اگر شیر با گاو دوست شود و با او صلح کند، و اگر با او زیر یک یوغ بسته شود و با او شخم بزند، آنگاه من با تو صلح خواهم کرد. یوبیل ۳۷:۲۲

کتابهای گمشدهی کتاب مقدس

سرانجام روزی فرا رسید که قرار بود حیوانات را برای تماشا بیرون بیاورند؛ و تکلا را به آمفیتئاتر آوردند و در حضور انبوهی از تماشاگران، او را در لانهای قرار دادند که در آن یک شیر ماده بسیار درنده قرار داشت. تریفینا، بدون هیچ تعجبی، تکلا را همراهی کرد و شیر ماده پاهای تکلا را لیسید. عنوانی که برای جرم او نوشته شده بود، توهین به مقدسات بود. سپس زن فریاد زد: ای خدا، احکام این شهر ناعادلانه است. اعمال رسولان پولس و تکلا ۸: ۳-۴

سپس تکلا را از دست تریفینا گرفتند، برهنهاش کردند، کمربندی بر او بستند و او را به مکانی که برای جنگ با حیوانات تعیین شده بود، انداختند. و شیرها و خرسها را بر او رها کردند. اما یک شیر ماده که از همه درندهتر بود، به سمت تکلا دوید و به پاهایش افتاد. که در آن جمعیت زیادی از زنان با صدای بلند فریاد زدند. سپس یک خرس ماده با شدت به سمت او دوید. اما شیر ،ماده با خرس برخورد کرد و آن را تکه تکه کرد. دوباره، یک شیر نر که عادت داشت انسانها را ببلعد و متعلق به اسکندر بود به سمت او دوید. اما شیر ماده با شیر نر روبرو شد و آنها یکدیگر را کشتند. سپس زنان بیشتر نگران شدند، زیرا شیر مادهای که 1-5 :به تکلا کمک کرده بود، مرده بود. اعمال رسولان پولس و تکلا 9

طبق این تصمیم عمل کردند و آن دو نفر به کوه رفتند و مانند شیرهای درنده به غار رفته، در را کوبیدند. اعمال رسولان پولس و تکلا 11:4

زیرا ای برادران، چه بگوییم؟ آیا دانیال به دست مردان خداترس به چاه شیران انداخته شد؟ آیا حنانیا، عزریوس و میسائیل به دست مردانی که ادعای پرستش باشکوه و عالی حضرت اعلی را داشتند، به کوره آتش انداخته شدند؟ خدا آنها را نفرستد. اول کلمنت به قرنتیان 20:9

کتابهای فراموششدهی عدن

سپس، ای پروردگار، در آن ساعت سوم که مرا آفریدی، همه حیوانات، شیرها، شترمرغها، پرندگان هوا و همه موجودات زمین را که در ساعت اول جمعه پیش از من آفریده بودی، نزد من آوردی. 1 کتاب آدم و حوا 34:7

آنگاه کلمه خدا آمد و به او گفت: ای آدم، حوا را بردار و به ساحل دریا بیا، جایی که قبلاً روزه میگرفتی. در آنجا پوست گوسفندانی خواهی یافت که شیرها گوشتشان را خوردهاند و پوستشان باقی مانده است. آنها را بردار و برای خود جامه درست کن و خود را با آنها بپوشان. ۱ کتاب آدم و حوا ۷:۵۰

آنها خیلی از غار دور نشده بودند که شیطان به سمت آنها آمد و خود را بین آنها و غار پنهان کرد، به شکل دو شیر گرسنه که سه روز بدون غذا بودند، که به سمت آدم و حوا میآمدند، گویی میخواستند آنها را تکه تکه کرده و بخورند. سپس آدم و حوا گریستند و از خدا خواستند که آنها را از چنگال آنها نجات دهد. سپس کلمه خدا نزد آنها آمد و شیرها را از آنها دور کرد. 1 کتاب آدم و حوا 53: 1-3

سپس یارد فرمان پدرش را نگه داشت و مانند شیر بر قوم خود قیام کرد. او آنها را با عدالت و بیگناهی تغذیه کرد و به آنها دستور داد که بدون مشورت او هیچ کاری انجام ندهند. زیرا او از آنها میترسید که مبادا به فرزندان قابیل بروند. از این رو بارها ،به آنها دستور داد؛ و تا پایان چهارصد و هشتاد و پنجمین سال زندگی خود به این کار ادامه داد. در پایان این سالهای گفته شده این نشانه برای او ظاهر شد. همانطور که یارد مانند شیر در مقابل اجساد پدرانش ایستاده بود و دعا میکرد و قوم خود را هشدار میداد، شیطان به او حسادت کرد و شبحی زیبا ساخت، زیرا یارد نمیگذاشت فرزندانش بدون مشورت او کاری انجام دهند. 2 1-3 :کتاب آدم و حوا 17

و من نگاه کردم و دیگر عناصر پرنده خورشید را دیدم که نامهایشان ققنوس و خالکیدری است، شگفتانگیز و شگفتانگیز، با پاها و دمهایی به شکل شیر و سر تمساح، ظاهرشان ارغوانی مانند رنگینکمان است؛ اندازه آنها نهصد پیمانه است، بالهایشان مانند ،بالهای فرشتگان است که هر کدام دوازده بال دارند و آنها خورشید را همراهی و مراقبت میکنند و گرما و شبنم را حمل میکنند همانطور که از جانب خدا به آنها دستور داده شده است. اسرار خنوخ ۱۲:۱

بر این اساس، ثابت کردهام که نه تنها مردان بر رنجهای خود پیروز شدهاند، بلکه یک زن نیز وحشتناکترین شکنجهها را ناچیز شمرده است. و شیرهای اطراف دانیال آنقدر درنده نبودند، کوره آتش سوزان میشائیل آنقدر داغ نبود که غریزه مادری را در او با

،دیدن هفت پسرش که شکنجه میشدند، سوزاند. اما مادر با عقل هدایتشده توسط دین خود، احساسات خود را، هرچند زیاد و قوی فرو نشاند. چهارم مکابیان ۲۵:۷-۲۷

ای فرزندم! ران قورباغهای در دستت بهتر از غازی در دیگ همسایهات است؛ و گوسفندی نزدیک تو بهتر از گاوی دور است؛ و گنجشکی در دستت بهتر از هزار گنجشک در حال پرواز است؛ و فقری که گرد میآید بهتر از پراکندگی روزی فراوان است؛ و روباهی زنده بهتر از شیری مرده است؛ و یک پوند پشم بهتر از یک پوند ثروت، منظورم از طلا و نقره است؛ زیرا طلا و نقره .در زمین پنهان و پوشیده هستند و دیده نمیشوند؛ اما پشم در بازارها میماند و دیده میشود، و برای کسی که آن را میپوشد، زیباست داستان اخیکار ۴۹:۲

ای پسرم! در مصیبت فقیر از او عیادت کن و در حضور سلطان از او سخن بگو و تمام تلاش خود را بکن تا او را از دهان شیر نجات دهی. داستان اخیکار ۵۷:۲

ای پسر من! تو برای من مانند شیری بودی که با الاغی دوست شد و الاغ مدتی جلوی شیر راه میرفت؛ و روزی شیر بر الاغ پرید و آن را خورد. داستان اخیکار ۲۱:۷

من شیری را کشتم و بزغالهای را از دهانش بیرون کشیدم. عهد یهودا ۱۱:۱

و پسران من به لاوی نزدیک خواهند شد و با آنها در همه چیز گناه خواهند کرد. و پسران یهودا طمعکار خواهند بود و مانند شیرها اموال دیگران را غارت خواهند کرد. عهد دانیال ۷:۲

بنابراین، من شبها از گله محافظت میکردم؛ و هرگاه شیر یا گرگ یا هر حیوان وحشی دیگری به گله میآمد، آن را تعقیب میکردم و وقتی به آن میرسیدم، پایش را با دستم میگرفتم و به اندازه پرتاب سنگی پرتابش میکردم و او را میکشتم. عهد جاد ۳:۱

و دیدم که از یهودا باکرهای زاده شد که جامهای کتانی بر تن داشت و از او برهای بیعیب و نقص زاده شد و در دست چپش گویی شیری بود و همه حیوانات به او حمله کردند و بره بر آنها غلبه کرد و آنها را هلاک نمود و پایمال نمود. عهد یوسف ۷۴:۲

و اما یکی از کسانی که مرا با چوب زده بود، شیری به او حمله کرد و او را کشت. عهد بنیامین ۱۰:۱